

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۵۲

جمعه ۲۸ اسفند ۱۳۹۴، ۱۸ مارس ۲۰۱۶

انترناسیونال سال نو را به همه مردم آزادیخواه تبریک میگوید!

پیام نوروزی لیدر حزب کمونیست کارگری

فرارسیدن سال نو را به همه مردم ایران تبریک میگویم. نوروز موسم جشن و شادی و گرامیداشت زندگی است. بزرگداشت زندگی در برابر مناسبات و روابط و اخلاقیات متحجر حاکم که زندگی انسانی را زیر خود مدفون کرده است. هر سال نفس مراسم نوروز موجودیت جمهوری اسلامی را بجالش میکشد! جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش وصله ناجوری بر تن جامعه بوده است. زنان، جوانان، کارگران، نود و نه درصد مردم ایران، سلطه قوانین اسلامی، اخلاقیات بغایت عقب مانده و فرهنگ متحجری که جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است را هیچگاه نپذیرفته اند. امروز اعتراض و مبارزه و فریاد "نه" به نظام موجود در همه عرصه ها، حتی در نمایشهای انتخاباتی، به یک جزء زندگی مردم و یک خصوصیت سیاسی جامعه ایران تبدیل شده است. جمهوری اسلامی نه تنها حکومتی مستبد و فاسد و ارتجاعی است، بلکه با نفس زندگی، یک زندگی شاد و مدرن و امروزی که توده مردم خواهان آن هستند، در تناقض است. این تناقض تنها میتواند به نفع مردم حل بشود. جمهوری اسلامی باید برود! مذهب باید از دولت، از قوانین و از سیستم حقوقی و قضائی و آموزشی حذف بشود و فرهنگ و اخلاقیات قرون وسطانی حاکم جای خود را به فرهنگ شاد و مدرن و انسانی بدهد؛ آپارتاید جنسی باید در هم شکسته بشود و تبعیض جنسیتی در هر سطح و هر شکلی باید از جامعه رخت بر بندد؛ باندهای مافیائی حاکم و آیت الله های میلیاردر باید بمحاکمه کشیده بشوند و رفع نیازهای جامعه و تامین رفاه توده مردم منطبق بر آخرین استانداردها در محور و هدف سیستم اقتصادی قرار بگیرد.

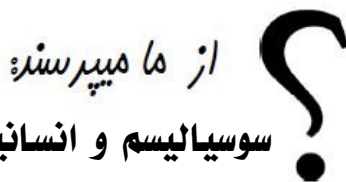
این آمال و خواستههای اکثریت قریب باتفاق مردم ایران است و نوروز فرصت دیگری برای یادآوری و تاکید بر این خواستها است. با این امید که سال تازه سال پیشروی ها و پیروزیهای بیشتر مردم آزاده ایران در برابر جمود و تحجر حاکم باشد. یکبار دیگر سال نو را تبریک میگویم و برای همه مردم ایران سالی سرشار از شادی و سلامتی و بهروزی آرزو میکنم.

حمید تقوایی
۲۷ اسفند ۱۳۹۴

میزگرد انترناسیونال

ایران در سالی که گذشت

صفحه ۲



سوسیالیسم و انسانیت (یا انسانگرایی سوسیالیستی)

صفحه ۳

آنهايي که آزاديخواهي و بلوغ سياسي مردم را دست کم ميگیرند

منصور حکمت پاسخ می دهد

صفحه ۴

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

* سطح دستمزدها و وقاحت کارشناسانه!

* پرخاشهای پسا انتخاباتی

* فتوا علیه چهارشنبه سوری

صفحه ۶

به دوستداران و اعضای جدید حزب در خارج کشور

اصغر کریمی

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۷

گزارشاتی دیگر از روز جهانی زن، هشت مارس

شهلا دانشفر

صفحه ۸

میزگرد انترناسیونال

ایران در سالی که گذشت

انترناسیونال: در سال گذشته حکومت اسلامی با یک چرخش سیاسی چشمگیر و در پی کشمکشهای بسیار سیاست مذاکرات با ۱+۵ را به سرانجام رساند. در نگاهی به گذشته: چه ضرورت‌هایی دو طرف این توافق را به این نقطه سازش سوق دادند؟ مناسبات جمهوری اسلامی با دنیای غرب بعد از این توافق دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟ چگونه با توهامات ایجاد شده پیرامون این توافق باید برخورد کرد؟

علی جوادی: دستیابی به توافق سیاسی میان حکومت اسلامی و کشورهای ۱+۵ همانطور که اشاره کردید یک تحول سیاسی چشمگیر در تحولات سیاسی سال گذشته بود. دستیابی به این توافق حاصل چرخشهای سیاسی روشنی در هر در سوی این معادله سیاسی بود.

حکومت اسلامی و خامنه ای مشخصاً این چرخش سیاسی را با فورمول "نرمش قهرمانانه" بیان کردند. راه دیگری هم ممکن نبود. هرگونه تماس ممتد و آشکاری تنها میتوانست با مجوز راس حکومت اسلامی صورت پذیرد. در غیر این صورت هرگونه "ابتکار جناحی" و بدون توافق اصولی جناح راست منجر به یک کودتای جناحی می شد. حکومت اسلامی و مشخصاً جناح راست در انتهای دوران احمدی نژاد به این نتیجه رسیدند که سیاستهای تاکتونی حکومت اسلامی میتواند خطر جنگ را به یک احتمال واقعی تبدیل کند. نتیجتاً باید تغییر ریل میداند و این چرخش سیاسی را مبتذلانه "نرمش قهرمانه" نام نهند.

برخلاف دوران خاتمی که حکومت اسلامی سیاست "تنش زدایی" را در سطح بین المللی

تبدیل شده بود. برنده جنگ خونین آمریکا در عراق به میزان زیادی حکومت اسلامی و جریانات اسلامی بودند. نئوکانسرواتوهای پرچمدار زمخت این سیاستهای آمریکا بودند. اما این سیاست برای بخش مهمی از هیأت حاکمه باعث انزوای این نیرو حتی در نزد نزدیکترین متحدین اروپایی اش شده بود. اواما این چرخش سیاسی را با جایگزینی "مشتبای گره کرده" با دستان آماده فشردن بیان کرد. سایه جنگ عراق همچوم لکه سیاهی بر بالای سرشان قرار داشت. تلاش برای کسب موقعیت هژمونیک آمریکا در جهان کنونی و در پس شکست سیاستهای نئوکانسرواتوهای می بایست با روشهای جدید و متفاوت از گذشته دنبال شود. هیأت حاکمه کنونی آمریکا بر این باور بود که کشیده شدن به طرف جنگ در ایران مخاطراتی بمراتب وسیعتر از فاجعه عراق می توانست برای آمریکا و متحدین اش به دنبال داشته باشد. (مخاطرات ناشی از چنین تقابلی فاجعه آمیزی برای مردم و عقبگردهای سیاسی و اجتماعی ناشی از آن کوچکترین جایی در این معادله بازی نمیکرد) از این رو جلوگیری از ماجراجویی های دولت فوق دست راستی در اسرائیل گوشه ای از دستیابی به چنین توافقی بود.

چگونه با توهامات ایجاد شده پیرامون این بند و بست سیاسی باید برخورد کرد. واقعیت مادی زندگی توده های مردم زحمتکش گنرا بودن و پوچ بودن چنین توهامات را بسرعت برملا کرد. واقعیت همین دوره کوتاه پس از برجام مهر تاییدی بر سیاستهای ما بود. ما اعلام کرده بودیم که "برجام" قرار نیست لقمه نانی در سفره کارگر و مردم زحمتکش قرار دهد. قرار نیست گشایش سیاسی ای ایجاد شود. قرار نیست از اسلامی گری و بستن ششیر خونین اسلام از رو کاسته شود. چنین تغییراتی تنها میتواند حاصل مبارزات مستقیم و متحدانه کارگر و مردم زحمتکش باشد. تنها میتوان با گرد آمدن به دور پرچم آزادی و برابری و رفاه همگان با پیوستن به اردوی کمونیسم کارگری و پیشبرد پروژه این جنبش تغییرات

چشمگیری در زندگی جامعه ایجاد کرد. راه دیگری نیست!

انترناسیونال: نقش و جایگاه جنبش آزادی و رهایی زن برای آزادی و برابری در ایران، انکار ناپذیر است. موقعیت این جنبش را چگونه ارزیابی میکنید؟ و چه تاکیدیاتی در این دوره در فعالیت حزب در این زمینه دارید؟

مینا احدی: جنبش برابری طلبانه زنان در ایران در حقیقت پاشنه آشیل این حکومت است. ما فقط در مورد یک جنبش برای بهبود موقعیت زنان و یا رسیدن به برابری با مردان حرف نمیزنیم، ما همچنین در مورد ماندن و یا رفتن یک حکومت زن ستیز اسلامی و در مورد موجودیت این حکومت حرف میزنیم. باید توجه کرد که این حکومت با حمله به زنان پا گرفت و موسی با حمله کردن به دختران و زنان در خیابانها خود را محکم کرد و قدر قدرتی خود در مقابل کل جامعه را با شاخ و شانه کشیدن بر علیه زنان به رخ جامعه کشید. حالا در این زمینه حکومت و دهها دستگاه سرکوب و صدها آخوند و منبر و مسجد این حکومت در مقابل زنان زانو زده و قدرت کلام و ضرب شلاق و شمشیرشان عملاً از کار افتاده است. این بسیار مهم است. سال گذشته سال پیشروی بیشتر این جنبش و سال تحکیم این موقعیت بود الان دیگر عمله و اگره حکومتی از بالاترین مقام تا پاسدار و حزب اللهی مزدور اساساً جرات نمیکند رسماً به زنان در خیابان حمله کند و همگی در کل خفقان گرفته اند. این تناسب قوای معینی را در رابطه زنان با حکومت ایجاد میکند که مهم است.

از سوی دیگر در ایران کماکان قوانین ضد زن است و زنان بسیاری قربانی بیکاری و بی پولی و فقر و مشکلات متعدد اقتصادی و سیاسی هستند. مبارزه برای ایجاد تشکل های زنان و یا مبارزه برای ساختن خانه های زنان و امکانات کمک به زنان در معرض خشونت، مبارزه برعلیه اسید پاشی و قتل ناموسی و مرد سالاری نهادینه در آن جامعه

همه و همه عرصه هایی هستند که فعالین مدافع حقوق زن در آن جامعه برای متحقق کردن آن با موانع متعدد حقوقی و با سرکوب حکومتی دست و پنجه نرم میکنند.

حزب ما همواره در صف اول مبارزه برای دستیابی به حقوق انسانی زنان بوده و از جنبش ملرن و پیشرو و سنت شکنانه زنان دفاع کرده است. در دوره جدید ما باید به سازماندهی مبارزات زنان در عرصه های مختلف توجه کرده و در این عرصه ها کمک کنیم زنان و فعالین مدافع حقوق زن شبکه های متعددی را ایجاد کرده و عملاً برای بهبود موقعیت زنان و دفاع از حقوق زنان گام بردارند، در عین حال نظر من جنبش نقد مذهب و اسلام و بررسی تاثیرات مخرب این تفکر در زندگی زنان باید مورد توجه بیشتر ما و فعالین مدافع حقوق زن باشد.

در اینسجا دوست دارم از مبارزات مادران و جنبش دادخواهی در ایران یاد کنم که در سال گذشته بسیار فعال بود و در ایران نمایندگی جنبشی را کرد که بسیار مهم است. مادرانی که فرزندان آنها به دست حکومت اسلامی به قتل رسیده اند، در ایران هزاران نفر هستند. اینها در یکسال گذشته با تجمع و برگزاری برنامه های متعدد و با ابراز وجود سیاسی اعلام کردند که پرچم دادخواهی میلیونها نفر در ایران را در دست دارند و از جنبشی دفاع میکنند که انتقام نمیخواهد و علیه اعدام است ولی خواهان محاکمه و عدالت و روشن شدن زوایای پنهان یک دستگاه جنایت سازمان یافته است.

انترناسیونال: تبیین و ارزیابی شما از پیشرفتهای و کمبودهای حزب در سال گذشته چیست؟ چه تاکیدیاتی در این دوره فعالیت حزب دارید؟

حمید تقوایی: هدف سیاسی ای که حزب ما پیگیرانه دنبال میکند سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت یک انقلاب توده ای است. ما برای تقویت و متحد و منسجم کردن جنبش کارگری، تعمیق و گسترش اعتراضات و مبارزات جاری در

؟ از ما می پرسند:

سوسیالیسم و انسانیت (یا انسانگرایی سوسیالیستی)

اقتصاد سیاست و فرهنگ سوسیالیستی بر این واقعیت پایه ای، یعنی هویت اجتماعی و جهانشمول انسانی، مبتنی است. از نظر اقتصادی سوسیالیسم با لغو استثمار و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و با محور قرار دادن تامین نیازها و رفاه همه شهروندان و تحقق کنترل کل جامعه بر وسائل و پروسه تولید، از جامعه مدنی - آخرین شکل جوامع طبقاتی - فراتر می رود و به جامعه انسانی می رسد.

از نظر سیاسی سوسیالیسم همه شهروندان از طریق شوراها و ارگانهای نوع شورائی مستقیماً در سیاست گذاریها و تصمیم گیریها و اجرای آنها دخیل و سهیمند. حکومت در جامعه سوسیالیستی نه ابزار سلطه طبقاتی بلکه ارگان ادا امور جامعه بوسیله خود مردم است.

از لحاظ فرهنگی سوسیالیسم در مقابل و در نفی هویت تراشی های ملی و قومی و مذهبی و نژادی رایج در جوامع امروز، هویت انسانی و نوع دوستی و احساس و درک مشترک از غم و شادی و خوشبختی و بدبختی و ارزشهای مشترک و جهانشمول انسانی را قرار میدهد و بر هویت اجتماعی و منافع و آمال و ارزشهای مشترک همه انسانها در سراسر جهان تاکید میکند.

"اساس سوسیالیسم انسان است" بیان فشرده و موجز واقعیات فوق است. "اساس سوسیالیسم انسان است" اعلام میکند سوسیالیسم از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر تاریخ جوامع طبقاتی و مناسبات و معیارها و ارزشهای ضد انسانی آن نقطه پایان میگذارد و به معنی واقعی و دقیق کلمه تاریخ جوامع انسانی را آغاز میکند.

انترناسیونال - اساس سوسیالیسم انسان است یکی از شعارهای حزب کمونیست کارگری است که در واقع منصور حکمت آنرا بیان کرده است. آیا این تعریف متفاوتی از سوسیالیسم است؟

حمید تقوانی - خیر، این تعریف متفاوتی از سوسیالیسم نیست بلکه تاکید بر خصالت و خصوصیت پایه ای و جوهر سوسیالیسم است. سوسیالیسم بر لغو استثمار و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و نفی هر نوع تبعیض طبقاتی مبتنی است و این یعنی محور قرار دادن انسان و انسانیت در اقتصاد و فرهنگ و سیاست و کلیه مناسبات و روابط اجتماعی. جامعه سرمایه داری انسانی نیست، طبقاتی است. اساس نظم سرمایه داری استثمار و سودآوری هر چه بیشتر و تامین منافع اقلیت مفتخور حاکم است. امروز ثروت سرمایه دارانی که کمتر از یک درصد جمعیت دنیا را تشکیل میدهند پاندازه دارائی نود درصد ساکنین کره ارض است و در همه کشورها دولت و ارتش و قوانین و فرهنگ مسلط در دست و در خدمت این یک درصد قرار دارد. فرهنگ و ارزشهای حاکم بر این جوامع، مذهب و ناسیونالیسم و قومپرستی و آب و خاک پرستی و پدرسالاری و تبعیض جنسیتی و غیره همه بازتاب و ناشی از تبعیض طبقاتی و حافظ آن است.

در برابر و در نفی این وضعیت، سوسیالیسم بر هویت اجتماعی و جهانشمول انسانها تاکید میکند. انسان موجودی است اجتماعی. بقای نسل بشر در طول تاریخ، زبان و فرهنگ و تمدن و دستاورهای علمی و تکنولوژیک و هنری انسان و حتی فیزیولوژی انسان همه حاصل زندگی اجتماعی و کار و تولید اجتماعی او است.

اسلامی، موج وسیع پناهندگی بویژه از کشورهای اسلامزده و حرکت وسیع مردم اروپا در استقبال از پناهندگان و در مقابله با راسیسم و هم چنین پیشبرد کمینها و مبارزات عرصه ای که از سالهای پیش در دستور کار ما بوده است فعال بود. ما بویژه در زمینه مرتبط کردن فعالیتها عرصه ای خارج کشور با داخل پیشرویهائی داشته ایم. بعلت گستردگی دامنه این فعالیتها پرداختن مشروح تر به فعالیتهای خارج کشوری حزب در اینجا ممکن نیست. خوانندگان علاقمند میتوانند به گزارشات هیات اجرایی به پلنومهای حزب در سال گذشته رجوع کنند.

در مورد کمبودها و نقطه ضعفها باید به مساله منطبق کردن فعالیتهای عملی و سازمانگرانه حزب با شرایط امروز و مکانیسمهای تازه مبارزه در قرن بیست و یکم اشاره کنم. ما در این زمینه از لحاظ نظری با تلویین و طرح سیاست سازماندهی حزب بر زمینه اعتراضات اجتماعی، بازشناسی و تاکید بر نیروی چپ اجتماعی و ضرورت مرتبط شدن با آن و تبیین شیوه های دخالنگری و گردآوری نیرو به گرد حزب و سیاستهای حزبی در دل جنبشها و حرکات اعتراضی گامهای اساسی ای بجلو برداشته ایم اما هنوز در سطح عملی فاصله زیادی با اجرای این سیاستها داریم. برای فائق آمدن بر این ضعف موانعی را باید از سر راه برداریم که به نظر من مهمترین آن سنتها و شیوه های قدیمی و متعلق بدوران گذشته است. این سنتها عملاً هنوز بر دست و پای ما پیچیده است و یک وظیفه اساسی حزب در این دوره نقد و طرد عملی این سنتهای دست و پا گیر است. امیدوارم سال تازه برای حزب ما سال کنار زدن موانع و پیشرویهائی بیشتر در همه زمینه ها باشد.

اقتصاد مافیائی آنست. حزب ما در این روشنگری نقش موثری ایفا کرد. رویداد سیاسی دیگری که در ماههای آخر سال گذشته به مرکز توجه رانده شد "انتخابات" بود. در برخورد به معرکه انتخاباتی ما مثل همیشه بر این واقعیت تاکید کردیم که در جمهوری اسلامی انتخابات نیز درست مانند اصلاحات مقوله ای پوچ و بی معنی است و مردم را به تعرض علیه بساط انتخابات و کل حکومت فرا خواندیم. در این مورد نیز بخش وسیعی از جامعه با عدم شرکت در انتخابات و بخشی، به اعتراف خود مقامات، با "رای سلی" به حکومت نشان دادند که حتی معرکه انتخاباتی فرصت و بهانه ای برای نشان دادن مخالفت و اعتراض اکثریت جامعه به وضع موجود است.

از نظر سازماندهی و فعالیتهای عملی هم حزب ما در سال گذشته پیشرویهائی متعددی داشت. یک ابراز موثر کار ما در این زمینه تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید است. تلویزیون برای ما تنها یک تریبون تبلیغی نیست بلکه ابزار موثری برای ارتباط گیری با فعالین، دخالتهنگری در اعتراضات اجتماعی، و رهنموددهی عملی و سازماندهی حول سیاستها و اهداف حزب بشمار می رود. سال گذشته سال مطرح شدن بیشتر و گسترده تر کانال جدید هم بعنوان یک تریبون تبلیغی و هم یک ارگان ارتباطگیری با فعالین و و پیشبرد سیاستها و رهنمودهای عملی حزب بود.

ابزار دیگری که سال قبل بطور گسترده تر و فعالتری از گذشته برای دخالتهنگری در حرکتها اعتراضی موجود و برای براه اندازی این نوع حرکتها به کار گرفتیم مدیای اجتماعی است. مدیای اجتماعی و در این دوره بویژه کانال تلگرام نقش مهمی در شکل دهی به حرکات اعتراضی در ایران ایفا میکند. و حزب و بویژه سازمان جوانان کمونیست، در عرصه های مختلفی این ابزار را بکار گرفته و پیشرویهائی قابل توجهی داشته است.

در سطح منطقه و جهانی نیز حزب در برخورد به تحولاتی نظیر جنایات داعش و دیگر نیروهای

جامعه و شفاف و متعین و تقویت کردن هر چه بیشتر صف سرنگونی طلبی مبارزه میکنیم. این اساس فعالیتهای تبلیغاتی و سازمانگرانه و کارزارهای حزب در همه عرصه ها در داخل و خارج کشور را تشکیل میدهد و سال گذشته نیز از این قاعده مستثنی نبود.

در عرصه سیاست ایران سال گذشته سال توافق هسته ای و تشدید کشمکشهای باند های حکومتی بر سر این مساله بود. نیروهای ملی اسلامی و به اصطلاح "اصلاح طلبان"، یا در واقع نیروهائی که خواهان حفظ نظام جمهوری اسلامی با تغییرات و مرمت کاریهائی در ظاهر آن هستند، تلاش کردند تا برجام را بعنوان داروی شفابخش بحران اقتصادی و نسخه معتدل و متعارف شدن حکومت به مردم بفروشد. حتی رسانه های دولتی غرب نظیر آیت الله بی بی سی برای دامن زدن به این توهم سنگ تمام گذاشتند. حزب ما فعال و پیگیر در برابر این عوامفریبی ایستاد. ما در تبلیغات گسترده ای از طریق تلویزیون کانال جدید، نشریات حزب و مدیای اجتماعی حقیقت این تحول را در برابر چشمان جامعه قرار دادیم. ما بر این واقعیت تاکید کردیم که برجام و رفع تحریمها بحران و فلج اقتصادی جمهوری اسلامی را حل نخواهد کرد و گرانی و فلاکت و بیکاری همچنان زندگی توده مردم را در چنگال خود خواهد فشرد. ما نشان دادیم که جمهوری اسلامی نه از نظر اقتصادی و نه از لحاظ سیاسی و فرهنگی نمیتواند متعارف و متعادل بشود. نشان دادیم سیاست تعامل و نزدیکی جمهوری اسلامی با غرب تحقق پذیر نیست و تنها میتواند به تشدید دعواها و کشمکشهای حکومتی منجر بشود. سیر اتفاقات و تجربه مردم در همین مدت چند ماهه ای که از برجام میگذرد بر صحت تحلیلها و تبلیغات حزب در مورد برجام و پیامدهایش مهر تأیید زده است. اکنون علیرغم همه هیاهوها و تبلیغات مقامات و رسانه های داخلی و خارجی، بر همه معلوم شده است که ریشه مساله نفس موجودیت جمهوری اسلامی و



آنهايي كه آزاديخواهي و بلوغ سياسي مردم را دست كم ميگيرند

منصور حكمت پاسخ مي دهد

تكثير ميكنيم.
علي جوادي

منصور حكمت پاسخ ميدهد

انترناسيونال: در اطلاعاتيه حزب گفته شده است كه "مردم به خاتمي راي دادند، اما خاتمي منتخب هيچكس نيست." چرا مردم، آنهم وسيعا، در انتخابات شركت كردند و به خاتمي راي دادند؟

منصور حكمت: مردم برخلاف دفعات قبل وسيعا راي دادند چون دريافتند كه شرايط يك فرصت استثنائي براي دخالت در سياست و در سرنوشت رژيم برايشان فراهم كرده است كه ممكن است بسادگي و بزودي تكرر نشود. واضح است كه در بين شصت ميليون اهالي مملكت همه نوع موضع و برداشتي از مساله پيدا ميشود. بعضي كساني كه به خاتمي راي دادند شايد واقعا همفكر او باشند و به او اميد داشته باشند. اما اين مشخصه حركت مردم در اين انتخابات نبود. حركت مردم را دو اميد و دو نياز اساسي شكل ميدهد. اول، آرزو و خواست نابودي و سرنگوني رژيم. اين واقعيت كه اكثريت عظيم مردم ايران ميخواهند از رژيم اسلامي و حكومت ديني بطور كلي خلاص شوند براي كسي كه اندك آشنائي با اوضاع ايران و مردم در ايران داشته باشد قابل ترديد نيست. اين اميد اول مردم است. دوم، مردم در عين حال ميخواهند و تلاش ميكنند زندگي تحت رژيم اسلامي تا حد ممكن قابل تحمل تر بشود. شايد براي تئوريسين هاي برخي فرقه هاي "انقلابي" مدل قديم فهم اين مساله كه چطور كسي ميتواند در آن واحد خواهان انقلاب و اصلاحات هردو باشد سخت باشد. اما اين تنها شكل واقعي نگاه كردن به

بار ديگر به دنبال مضحكه انتخاباتي در ايران و آرزيايي ما از حركت مردم، چه آنهايي كه با عدم شركت و اعتراض گسترده خود نه محكمي به رژيم اسلامي گفتند و چه آنهايي كه با راي سلبی خود در اين مراسم شركت كردند، بحث هاي معيني جاري شده است.

اصلاح طلبان مرتجع حكومتي و بخش وسيعي از جريان رنگارنگ ملي - اسلامي ها، راي سلبی مردم را به حساب حمايت از جناح روحاني - رفسنجاني و خاتمي ميگذارند. پروژه اينها اصلاح هيولای اسلامي است، در اين اميد واهي اند كه مانند دوران عروج بختك اسلامي در قدرت سياسي سهيم شوند. حساب اين جريانات مرتجع روشن است. سرنوشت اين جريانات به سرنوشت حكومت اسلامي گره خورده است. با سرنگوني رژيم اسلامي ذوب ميشوند و پروژه شان در هم شكسته ميشود.

اما در ميان صفوف چپ جامعه و حتي دوستان ما نيز نيزوهائي هستند كه آرزيايي درست و روشني از حركت مردم ندارند. ديناميسم حركت مردم، مكانيسم حركت اجتماعي توده مردم تحت ستم و استثمار اسلامي را نمي شناسند. راي سلبی مردم را همانند اصلاح طلبان حكومتي و جريانات ملي - اسلامي به حساب حمايتشان از جناحي از رژيم اسلامي ميگذارند. آزاديخواهي و بلوغ سياسي و سرنگوني طلبی توده هاي مردم را دست كم ميگيرند. همانگونه كه در سال ۸۸ در پس اعتراضات مردم شاهد آن بوديم.

در ادامه و شايد بمنظور پاسخ، گوشه هايي از يك گفتگو با منصور حكمت را پيرامون انتخاب خاتمي باز

مساله توسط مردمی است كه دارند عمرشان، زندگي شان، را تحت يك رژيم ارتجاعی و مستبد ميگذرانند. مردم ميخواهند رژيم اسلامي نابود شود و همان مردم ميخواهند رژيم اسلامي تعديل شود. در محاسبات مردم، خاتمي به طرز چشمگيري در محل تلاقی اين دو خواست ظاهر ميشود. پلي است كه اين دو دورنما را به هم وصل ميكنند. در نظر مردم انتخاب خاتمي گامي بود در هر دو جهت، عاملي براي تعديل رژيم و واسطه اي براي تضعيف رژيم. كسي به خاتمي براي خاتمي راي نداده است. همانطور كه كسي به بني صدر براي بني صدر راي نداده بود. اينها كساني از درون خود رژيم بودند كه به زعم مردم استعداد خيانت به رژيم و تضعيف آن را داشته اند.

قبل از اينكه به اغراق در "روحيه انقلابي" مردم متهم شوم يك نکته را تاكيد كنم كه فكر ميكنم بخصوص به تحرك وسيع مردم در انتخاب خاتمي مربوط ميشود. سرنگوني طلبی مردم در مقیاس توده اي لزوماً از سر تعلق سياسي به سوسياليسم و ليبراليسم و سكولاريسم و تاسي از اين يا آن برنامه و حزب اپوزيسيون نيست. شك نيست كه خيلي از مردم نظرات روشن و كنكرتي در مورد نظام آلترناتيو و نوع رژيم سياسي آتي دارند و به يك جنبش تعريف شده در اپوزيسيون تعلق دارند. اما توده وسيع مردم مطلوبيت و عدم مطلوبيت و ماندگاري و رفتني بودن يك رژيم سياسي را با فاكترهاي عام تر و بنيادي تر و به يك معني بسيار ملموس تري قضاوت ميكنند. از نظر مردم جمهوري اسلامي بايد سرنگون شود، بايد برود، نه فقط از اينرو كه رژيمي مستبد، وحشی و

اين ليست به كسي راي ميدهند كه انتخابش اوضاع رژيم را به هم بزند، از تثبيت بيشتر رژيم جلوگيري كند. به كسي راي ميدهند كه قيافه اش به آدميزاد شبیه تر باشد. اگر بناست مردم آخوندي را برگزينند، به آني راي ميدهند كه عمامه اش را عقب تر ميگذارد و زيرجمله اش را زودتر عوض ميكند. خاتمي همينقدر منتخب مردم است. مردم تشخيص دادند كه در اين انتخابات خاص، با اين تناسب قواي جناحها، گيجي رژيم و دشواري ثقل، و همينطور وجود خاتمي در تركيب كانديداهي كه از كاهش فشار فرهنگي به زنان و به مردم بطور كلي سخن ميگفت، فرصتي طلایی براي بهم ريختن اوضاع رژيم بدست آورده اند و از اين فرصت سود جستند.

انترناسيونال: شركت مردم و انتخاب خاتمي بحثهايي را هم در مورد درستي و نادرستي سياست تحريم انتخابات به ميان كشيده است. بنظر ميرسد مدافعان تحريم با مشاهده شركت مردم و زير فشار گروههاي طرفدار شركت در انتخابات مجبور به عقب نشيني شده اند. بعضي ميگويند سياست تحريم اشتباه بوده و بعضي معتقدند اين مردم بودند كه اشتباه كردند. حزب در مورد تحريم و شركت نظري از پيش ابراز نكرده. چرا؟ و كلا در مورد بحث امروز بر سر تحريم چه فكر ميكنيد؟

منصور حكمت: سازماني كه فراخوان شركت در انتخابات رژيم را ميدهد، دارد نه فقط مشروعيت انتخابات بلکه مشروعيت رژيم و پستي كه به راي گذاشته شده است را اعلام ميكند. تكليف چنين سازماني بنظر من معلوم است و بحث بيشترى احتياج ندارد. اين يك سازمان ارتجاعی است. اما

سرکوبگر است، بلکه همچنين چون با تعريف و معنای زندگي عادی از دیدگاه مردم ايران در تناقض است. شايد اگر جامعه اي، نظير عربستان سعودي، كلا در قالب ارتجاع و استبداد اسلامي متولد بشود حكومت مربوطه بتواند دوام و بقايي داشته باشد و يا لاقبل به رژيم متعارف سياسي در زندگي يکي دو نسل تبديل شود. اما يك جامعه غير اسلامي و بشدت سميائيك با فرهنگ و روش زندگي اروپايي را ميتوان به زور وادار به پذيرش حكومت ديني و اسلامي كرد. از نظر مردم، رژيم اسلامي از ابتدا پديده اي انتقالی و گذرا محسوب ميشد كه بايد دير يا زود از جلوی شيوه هاي زندگي متعارف و تاكنوني مردم ايران كنار برود. حكومتهاي مستبد ميتوانند با به توپ بستن مجلس، كويدين كمونيست ها، ممنوع كردن احزاب و اجتماعات و سلب آزادي سياسي مردم مدتها سر كار بمانند و حتي براي مردم تا مدتها عادی شوند. اما موسيقي و سكس و ورزش و حق معاشرت و خنده و شادي را ميتوان به توپ بست، ميتوان محو كرد. ميتوان مردم را براي سالها از دخالت در سياست محروم كرد، اما از ادامه زندگي به شيوه خودشان ميتوان باز داشت. مردم اين رژيم را نميخواهند. براي سقوطش روزشماری ميكنند. تصور مردم از جامعه اي كه ميخواهند اروپايي و غير مذهبي است.

خاتمي منتخب مردم نيست چون مردم آزادي انتخاب نداشتند. ليستي از چهار مرتجع تسييح بدست مدافع ولايت فقيه و همدست در ۱۸ سال جنایت را جلوی مردم گذاشته اند تا مردم كنار اسم يکي از آنها ضريبدر بزنند. واضح است در چنين انتخابی اين مردم، با اين افق، از

اپوزیسیون یک عمل و تبیین سیاسی با استنتاجاتی اصولی و نظری است. شرکت مردم برای کور کردن برنامه ناطق نوری و چوب لای چرخ رژیم گذاشتن سند مشروعیت رژیم یا انتخابات رئیس جمهوری آن نیست، اما فراخوان یک حزب سیاسی به "شرکت" در انتخابات، آنهم انتخاباتی که خودش بعنوان کاندید اجازه "شرکت" در آن ندارد، فراخوانی برای برسمیت شناسی مشروعیت رژیم است. بین اینها فرق اساسی هست.

مجموعه آثار منصور حکمت
جلد هشتم صفحات ۳۶۹ تا ۳۷۸

داشتند وسیعا در آن شرکت خواهند کرد. همانطور که گفتم در این مورد اخیر مردم ایران در یک "انتخابات" شرکت نکردند، در یک زورآزمایی تاکتیکی با رژیم شرکت کردند تا آن را تعدیل و از آن مهم تر بی ثبات و تضعیف کنند.

انترناسیونال: پس مردم اشتباه نکردند.

منصور حکمت: خیر مردم اشتباه نکردند. اما آن سازمان اپوزیسیون که فراخوان شرکت در انتخابات داده باشد اشتباه که سهل است، مردم را فریب داده است. اقدام مردم یک آکسیون مشخص است با نتایج عملی خاص. اما موضع یک حزب

هستند که خواسته اند حقایقی را در مورد رژیم بیان کنند. مردم هم دقیقا از همین موضع و با علم به همین حقایق در انتخابات شرکت کرده اند. وظیفه یک حزب سیاسی اپوزیسیون در شرایط امروز ایران این نیست که تکلیف روز انتخابات مردم را روشن کند و برنامه صبح و عصر آنها را برایشان بچیند. وظیفه یک اپوزیسیون انقلابی در درجه اول اینست که حقیقت سیاسی و اجتماعی اتفاقی که دارد رخ میدهد را برای مردم روشن کند. همه ما رفراوند جمهوری اسلامی را تحریم کردیم با علم به اینکه مردم با تلقی ای که آن روز

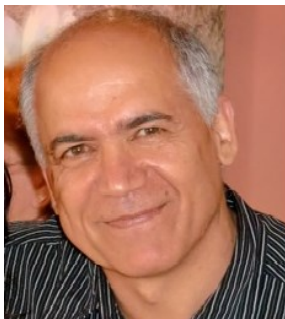
نیروی که در جنگ با یک رژیم بسر میبرد، انتخابات مراجع آن رژیم را نه تحریم، بلکه افشاء میکند. از اینروست که حزب ما هیچگاه خود را اسیر بحث جعلی تحریم یا شرکت نکرده است.

در مورد بحث امروز و عقب نشینی مدافعان تحریم باید بگویم که اگرچه موضع تحریم به دلیلی که گفته شد موضع مربوطی نیست، طرفداران تحریم نباید با دیدن شرکت مردم در انتخابات دودل شوند یا به موضع دفاعی بیفتند. تحریمگران کسانی هستند که بهرحال ولو با بیانی ناکافی مشروعیت رژیم را زیر سوال برده اند. کسانی

موضع تحریم انتخابات هم صحیح نیست. چون حتی سیاست تحریم نیز، اگر چه مشروعیت انتخابات را رد میکند، تلویحا به مشروعیت ساختارها و کلیت رژیم سیاسی صحنه میگذارد. در قبال رژیمی نظیر جمهوری اسلامی سیاست تحریم هم توهم زاست. بگذارید مثال بزنم، اگر فردا اعلام کنند که پست مرجع شیعیان جهان، یا سر شکنجه گر زندان اوین، یا فرماندار حکومت نظامی فلان شهر انتخابی است، آیا ما باید فراخوان تحریم بدهیم؟ اینگونه انتخاباتها مادون تحریم اند. نیرویی که قصد سرنگونی کل یک رژیم سیاسی را دارد،

به دستداران و اعضای جدید حزب در خارج کشور

اصغر کریمی



حتی خریداری پیدا نمیشود. در این دانشگاه علل این پدیده ها و راه ریشه کن کردن آنها را فراخواهید گرفت. با همفکرانی که سالها است پرچم برنامه ای برای یک دنیای بهتر را در دست دارند آشنا میشوید و برای مبارزه آمادگی بیشتری پیدا خواهید کرد.

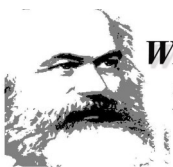
ما برای معرفی این ادبیات به شما، پاسخ به سوالات و همینطور پیشنهادات شما کلاس ها و دوره هایی را برنامه ریزی کرده ایم و امیدواریم شما نیز فعالانه در این دوره ها شرکت کنید و با این ادبیات بطور سیستماتیک آشنا شوید. با تماسی که با تعدادی از شما داشته ام شور و اشتیاق برای آشنایی و مسئولیت گرفتن و ایفای نقش موثر در حزب و جامعه را از نزدیک دیده ام و به مبلغین فعال و پرشور این ادبیات تبدیل خواهید شد و سر پلی برای معرفی حزب و ادبیاتش به خیلی های دیگر خواهید بود. جامعه ما به این ادبیات نیاز عاجل دارد و شما نیز میتوانید و باید در پاسخ دادن به این نیاز شریک شوید. به زودی به سراغ شما میایم و کار را به کمک هم شروع میکنیم.

ادبیات این حزب غنی و بسیار عمیق است اما یادگیری آنها ساده است چون به لحظه لحظه زندگی تان، به لحظه لحظه نابرابری و محرومیت و بی حقوقی، به لحظات تحقیر بخاطر زن بودن یا عضوی از طبقه کارگر بودن، به لحظات تهدید و سرکوب، به لحظات محروم بودن از شادی و آزادی مستقیما مربوط است. هزاران کودک فقیر و مانده در خیابان را به چشم دیده اید. ادبیات این حزب توضیح واقعی ریشه ها و مسببین این پدیده و راه نجات آنها است. میلیون ها جوانی که بخاطر نداشتن دورنما و امید به یک زندگی انسانی به اعتیاد کشیده اند یا برای تامین زندگی به تن فروشی روی آورده اند و میلیون ها نفر از هم نوعانی که استثمارگران خود بفروشدند اما

بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سرپا نمیانند. آنها وظیفه شان توجیه این وضعیت و ادبی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات است و وظیفه ما گفتن حقایق مربوط به این نظام و نشان دادن و سازمان دادن راه خلاصی از آن است. قدرت آنها در امکاناتی است که از استثمار این اکثریت گرفته اند تا علیه قربانیان خود بکار گیرند و قدرت ما در نشان دادن حقایق به این اکثریت است که اگر به رهایی خود آگاه شود این وضع را زیر و رو خواهد کرد و جامعه دیگری سازمان خواهد داد. من مطمئنم که این دانشگاه از دانشگاه های دیگر جالب تر است. اولین تاثیر این ادبیات تغییر نگاه شما به زندگی، به همسران، به کودک، به زن، به جامعه بشری و به خودتان و نقش و اراده خودتان خواهد بود. این لازم است تا انرژی خلاقانه شما را برای کمک به آگاه کردن و سازمان دادن انبوه مردم آزاد کند.

شکنجه گر و شکنجه شونده نیاز نباشد. تعدادی از شما کارگران مراکز صنعتی در نقاط مختلف کشور از جمله عسلویه بوده اید جهنمی واقعی که بهشت سرمایه داران است. برخی معلم بوده اید و یا فارغ التحصیلان دانشگاه بوده اید. تعدادی استادان دانشگاه بوده اید. و اکثرا جوان، تحصیل کرده و آشنا با خیلی چیزها. اینجا دانشگاه دیگری است که دروس زیادی برای یادگیری دارد. دروسی که در کتب درسی رسمی آموزش نمیدهند و نه تنها آموزش نمیدهند بلکه با انواع سانسور و زندان و شکنجه تلاش کرده اند که مانع دسترسی جامعه به این ادبیات بشوند. انواع رسانه های غول پیکر سازمان داده اند تا دقیقا در نقطه مقابل ادبیات رهایی از این سیستم گنبدیده و غیر انسانی سمپاشی کنند. چون میدانند، که همچنان که در برنامه حزب گفته ایم، استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعاد اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمارشوندگان و

در سال گذشته دهها نفر از شما به حزب کمونیست کارگری پیوسته اید. ضمن تبریک و خوشامدگویی میخواهم توجهتان را به یک نکته مهم درمورد ادبیات حزب جلب کنم. توصیه میکنم بسرعت با ادبیات حزب آشنا شوید. حزب گنجینه عظیمی ادبیات دارد که مربوط به زندگی شما است. مربوط به استثمار و سرکوب و تحقیر و ریشه های درد مردم است که طبقات حاکم به شما و اکثریت جامعه تحمیل کرده اند. مربوط به خرافاتی است که طبقات حاکم برای مسموم کردن ذهن اکثریتی که استثمار میشوند مدام در جامعه پمپاژ میکنند. مربوط به راه رهایی از این سیستم طبقاتی و غیر انسانی و از این خرافات است. مربوط به زیر و رو کردن این سیستم و تغییرات بنیادی در جامعه است که دیگر اقلیتی اکثریت را استثمار نکنند، تحقیر نکنند، سرکوب نکنند، یعنی دیگر اقلیت و اکثریتی نباشد و دولتی هم برای سرکوب نیاز نباشد. به خرافه نیاز نباشد، به ترس و تهدید و زندانی، به



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

فتوا علیه چهارشنبه سوری

خامنه ای در مورد چهارشنبه سوری فتوا داده است که "چهارشنبه سوری هیچ مبنای شرعی ندارد و مناسب است از آن اجتناب شود." چهارشنبه سوری آمد و رفت اما روسیاهی به حکومت ماند. در چهارشنبه سوری امسال هم به سبب هر سال مردم به کوری چشم حکومت ماتم و عزای اسلامی جشن گرفتند و شادی کردند و از روی آتش پریند. یک انگیزه و اصرار مردم برای برپائی مراسم چهارشنبه سوری همین نوع فتوای خامنه ای است. در جمهوری اسلامی چهارشنبه سوری نیز مانند جشن های دیگری که مردم به بهانه های مختلف بر پا میکنند به یک حرکت سیاسی و اعتراضی تبدیل شده است. نفس شادی و جشن و رقص و موسیقی با موجودیت جمهوری اسلامی منافات دارد و آنرا به لریزه میاندازد. خامنه ای درست میگوید. چهارشنبه سوری شرعی نیست اما این نه تنها مانع مردم نمیشود بلکه برعکس علت روی آوری وسیع مردم به این جشن دقیقاً همین است. "چهار شنبه سوری هیچ مبنای شرعی ندارد" درواقع اعلام اینست که حکومت شرعی جمهوری اسلامی هیچ مبنا و پایگاه اجتماعی ندارد!

اما این جهاد آیت الله ها مردم را از روز قیامت میترسانند اما ترشان از مردمی است برای بزیر کشیدن حکومت جهل و خرافه خود را آماده میکنند.

حکومت اسلامی از هر جهت و از هر نقطه نظر در نقطه مقابل آمل و خواستها و سبک زندگی مردم ایران قرار دارد و چهارشنبه سوری و جشن نوروز یکی از این نقطه تقابل ها است. سازمان ملل در آخرین گزارشی که بمناسبت روز شادی، اول فروردین، منتشر کرده است ایران را از نظر سطح شادی در میان ۱۵۶ کشور در رتبه ۱۰۵ قرار داده است. علت اصلی قرار گرفتن ایران در آخرین رده های کشورهای شاد حکومت ماتم و عزای جمهوری اسلامی است. با بزیر کشیدن جمهوری اسلامی، ایران به صدر لیست کشورهای شاد دنیا صعود خواهد کرد!

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

سطح دستمزدها و وقاحت کارشناسانه!

اسلامی رسواتر از آن هستند که این تشبثات جایگاه و کاربردی داشته باشد. کارگران ایران بخوبی میدانند که ارزش استفاده این نوع کارشناسان و شان نزول نظریات مشعشعشان چیزی بجز توجیه و تئوری پردازی برای مافیای اقتصادی حاکم نیست.

بقول جوانمیر مرادی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران در مطلبی که تحت عنوان "افتادن نقاب از چهره فریبرز رئیس دانا" در صفحه اتحادیه درج شده: "بارها این نوع تلاشهای تبلیغاتی از طریق به کارگیری مبلغان و کارشناسان خدمت گذار به سرمایه داری مورد نقد واقع گردیده و در میدان عمل نیز توسط توده کارگر معترض پس زده شده اند." او می نویسد رئیس دانا "در جنبش کارگری هیچ جایگاهی برایش نمانده و تحقیقات و محاسبات اقتصادی رطبی به واقعیات معیشتی کارگران و برآورد هزینه های آن ندارد."

این واقعیات قبل از هر چیز در جنبش چهل هزار امضا و برافراشته شدن پرچم سه و نیم میلیون تومان حناقل دستمزد در جنبش کارگری ایران خود را نشان میدهد. در مبارزه بر سر افزایش دستمزد شاخص کارگران نه الزامات و مقتضیات نظام سرمایه داری بلکه هزینه تامین معیشت خانواده هایشان بر مبنای استانداردهای رفاهی امروز دنیاست. غیر ممکن خواندن این امر بخاطر محدودیتها و مقتضیات سرمایه داری، آنهم در رژیمی که تنها یک قلم از دزدیهای مقاماتش چند برابر در آمد سالانه کل کارگران ایران است، به علم اقتصاد حتی به معنی کاپیتالیستی اش نیازی ندارد، تنها مقدار زیادی وقاحت لازم دارد!

شوراهای اسلامی و صاحب نظران اقتصادیشان در دانشگاه تهران جلسه سخنرانی برپا کردند تا با خواست افزایش حداقل دستمزد به سه و نیم میلیون تومان که از طرف کارگران و تشکلهای فعالین کارگری اعلام شده است مخالفت کنند. البته یک مخالفت "کارشناسانه" با رجوع به "علم اقتصاد"!

یکی از سخنرانان آقای رئیس دانا است که مدعی شده است خواست کارگران غیر عملی است و تحقیقات کارشناسانه ایشان نشان میدهد حداقل دستمزد نمیتواند بیشتر از یک میلیون و نیم تومان باشد. ظاهراً علم اقتصاد نشان میدهد که زندگی کارگران در سطح یک پنجم خط فقر را مجاز و ممکن و افزایش دستمزد به بالای خط فقر را غیر ممکن است! این "علم اقتصاد" را باید به همان متخصصین شوراهای اسلامی و "علمای" حوزه علمیه قم سپرد! علم اقتصاد کارگران حکم دیگری میدهد. اگر قادر به تامین زندگی کارگرانی که همه ثروت جامعه ثمره دسترنج آنان است نیستید، گورتان را گم کنید! اقتصاد کارگر بر اصل رفع نیازهای همه مردم بنا شده است و اقتصاد سرمایه بر استثمار و سودآوری هر چه بیشتر! در این میان کسی که علم اقتصاد را بعنوان یک علم ماوراء طبقاتی و همگانی در برابر خواستهای کارگران قرار میدهد در واقع تعلقش به کمپ سرمایه را اعلام میکند.

چنین "کارشناسانی" که امکانات و مقتضیات سرمایه داری را برخ کارگران معترض و خواستهای بر حشان میکنند در دنیا کم نیستند اما در میان کارگران نظریه پردازان شورایی کار و شوراهای

پرخاشهای پسا انتخاباتی

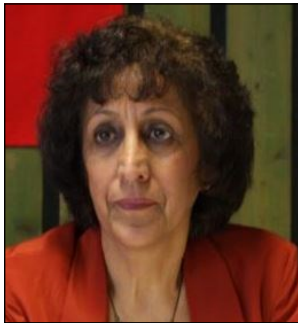
"خاک بر سر منی که (رهبری) دستور بدهد این کار را بکن و من ترمز کنم. بفرمایند این کار را نکن، با کمال پرویی عکسش را عمل کنم. چقدر آدم می تواند پست بشود!" مصباح یزدی.

اشاره مصباح به جناح روحانی - رفسنجانی است. لیست انتخاباتی این جناح شامل کسانی بود که رهبر آنها را نفوذی انگلیس خوانده بود و مردم را از رای دادن به آنها منع کرده بود. اما آنکه برعکس "فرمایشات رهبری" عمل کرد

مردمی بودند که به همین لیست ممنوعه آقا رای دادند و امثال مصباح را از مجلس خبرگان بیرون انداختند. بدنبال انتخابات خامنه ای بیرون افتادن مصباح و یزدی از مجلس خبرگان را خسارت نامید و امام جمعه مشهد نیز شکوه کرد که "در انتخابات مردم اطراف رهبری را قیچی کردند."

این پرخاشگریها و شکوه شکایتیهای پسا انتخاباتی در کشمکش بین جناحهای حکومتی رد و بدل میشود اما اساس مساله یی اعتبار شدن هر





کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

کارگران با گسترش مبارزاتشان به استقبال سال ۹۵ میروند

روزهای پایانی سال است و کارگران با مبارزات گسترده شان با اولتیماتوم دادن ها و پافشاری بر روی خواستههایشان و با پیامهای پرشورشان به استقبال سال جدید، سالی پر از اعتراض و مبارزه و عهد بستن بر سر پیگیری خواستههایشان میروند. فرا رسیدن سال ۹۵ را به همگان تبریک میگویم.

در بخشی از پیام اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن سال نو چنین آمده است: "سال ۱۳۹۴... سالی که در آن طبقه کارگرایران با یورش برنامه ریزی شده، ازصوریخشنامه های قضایی علیه اعتراضات وتجمعات کارگران تاحضارودستگیری وزندان فعالین ورهبران کارگران ومعلمان درابعادی کم سابقه، تلاش برای تلوین قوانین ریاضت کشانه در"برنامه ششم توسعه" ودرانتهای سال، تعیین حداقل مزدخفت بار، بمنظورتحمیل بدترین شرایط وتنگناهای معیشتی با هدف حل بحران سرمایه داری برگرده کارگران ومردم ایران همراه بود. سالی که پایانش، آغازگر سال سونامی میلیونی بیکاری و اوضاع معیشتی بلتر برای طبقه کارگر و همه انسانهای کم درآمد خواهد بود. اماازطرفی سال گذشته برای کارگران ایران سالی مملو از مقاومت واعتراض واعتصاب وتجمعات بی وقفه کارگری درمقابل موج بیسابقه اخراج وبیکاری وحقوهای معوقه وتعطیلی مراکز کاربود." و بعد در بخش پایانی این پیام که بطور واقعی کيفرخواستی علیه توحش سرمایه داری موجود است، اعلام میدارد که برای پایان دادن به این شرایط زندگی غیر انسانی ومشقت باری که نظام سرمایه

داری به واسطه تحمیل آن جامعه بشری رابه قهقرا برده، در صف جلوی جنبش کارگری مصمم ترازهرزمانی تلاش خواهدکرد.

همچنین جعفر عظیم زاده، رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از رهبران شناخته شده کارگری و هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها که با شش سال حکم در زندان بسر میرد، طی پیامی ضمن اعلام انزجار از تعیین ۸۱۲ هزار تومان دستمزد چند بار زیر خط فقر برای کارگران، بر این تاکید دارد که در سال آتی طبقه کارگر ایران و فعالین و پیشروان آن، علیرغم هر ممنوعیت و سرکوبی، متحد و مصمم تر از پیش، قدمهای استوار و تعیین کننده ای برای دست یابی به مطالبات انسانی شان خواهند داشت.

سال آتی را به سال مبارزاتی قدرتمند برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. جعفر عظیم زاده و همه کارگران و معلمان زندانی باید آزاد شوند.

معلمان بر خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر و تحصیل رایگان تاکید کردند

بیانیه ۲۳ اسفند ۹۴ کانون صنفی معلمان در سالگرد اعتراضات باشکوه اسفند سال ۹۳ آنان و اعلام ۷ خواست فوری آنان

به طور واقعی تاکیدی دوباره بر تداوم مبارزات معلمان و پیگیری خواستههایشان است.

۸۰ اسفند ۹۳ هزاران معلم در شهرهای مختلف ایران به خیابان ها آمدند و خواستههایشان را اعلام کردند. بیانیه ۲۳ اسفند معلمان تاکیدی دوباره بر خواستههای فوری آنانست. از جمله خواستههایی چون خواست افزایش حقوق عموم فرهنگیان و بازنشسته ها به رقم بالای خط فقر و بدون هیچگونه تبعیضی، آموزش رایگان، کیفی و برابر برای تمام کودکان، آزادی معلمان زندانی و صدور قرار منع تعقیب برای معلمانی که دارای حکم هستند و حق تشکل ۴ خواست مهم مطرح شده در این بیانیه هستند که بطور واقعی خواستههای همه مردمند. دیگر خواستههای فوری معلمان در این بیانیه عبارتند از: بیمه درمانی موثر و کارآمد و فراگیر با حق بیمه معقول و منطقی، تبدیل وضعیت نیروهای قراردادی و پیمانی و برخورداری آنان از امنیت شغلی، و مشارکت معلمان و تشکلهای صنفی در ساختار نظام آموزشی و حق مشارکتشان در سیاست گذاریها است. از خواستهها و مبارزات معلمان وسیعاً حمایت کنیم. مبارزات گسترده معلمان از اواخر سال ۹۳ آغاز و تا نیمه های سال ۹۴ در اشکال مختلف تداوم داشت. بیانیه معلمان بطور واقعی

تاکیدی بر تداوم این اعتراضات است. سال ۹۴ سال مبارزات باشکوه معلمان بود، زنده باد معلمان.

خواست افزایش دستمزدها و تقابل دو جنبش

در برابر تصمیم دولت مبنی بر تعیین حداقل دستمزد ۸۱۲ هزار تومان، جنب و جنبش بر سر خواست افزایش دستمزدها و مشخصاً خواست سه میلیون و پانصد هزار تومان بالا گرفته است. در هفته ای که گذشت انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران با صدور بیانیه ای اعتراض خود را به تصمیم جنایتکارانه دولت بر سر میزان حداقل دستمزد سال آتی اعلام داشته و به خواست افزایش دستمزد بالاتر از رقم فقر که همان سه میلیون و پانصد هزار تومان است پیوستند. خواستنی که هفت تشکل کارگری با صدور بیانیه ای مشترک پرچمدارش بودند و سندیکای واحد نیز بر آن تاکید گذاشته است و نه تنها این بلکه یک بند بیانیه معلمان به مناسبت سالگرد اعتراضات باشکوه شان در سال گذشته تاکید بر همین مطالبه است.

در این میان و در جلال میان کارگران با دولت، مخالفت خوانی های مسخره امثال رئیس دانا که تحت نام دفاع از کارگر تمام دستاوردهای سالهای اخیر کارگران را نفی میکنند حتی از

میزان ناچیز مطرح شده از جانب نماینده شورای عالی اسلامی نیز عقب تر ایستاده است. او در صحبت هایش شروع به مخالفت خوانی با خواست دستمزد حداقل بالا خط فقر کرده و بهانه اش هم اینست که گویا عملی نیست. دعوت کارگران به تعیین رقمی "ممکن و شدنی و در چهارچوب اقتصاد ملی" از سوی امثال رئیس دانا در واقع به معنی دعوت به قبول همان چیزی است که سی و چند سال است رژیم اسلامی بر سر کارگران آورده است. و کارگران مدتهاست که به چنین نظراتی مهر بطلان زده اند. "طرح خواست ممکن و شدنی" و "منطبق با اقتصاد ملی در واقع بخشی از سیاست یک جناح حکومت یعنی جناح دو خردادی است که میخواهد نظام اسلامی را حفظ کند. آنها تحت عنوان اینکه خواست باید "شدنی و ممکن" باشد، خواست باید در "چهارچوب اقتصاد ملی" بگنجد، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها سه میلیون و پانصد هزار تومان را زیر حمله قرار میدهند. در حالیکه بطور واقعی رقم ممکن و شدنی که در چهارچوب اقتصاد ملی این جنابان میگنجد، همان رقم ناچیز ۸۱۲ هزار تومان مصوب دولت است که چهار پنج بار زیر خط فقر است. تازه همین را هم کارگران با اعتراضاتشان و با خواست چندین برابر افزایش دستمزد به دولت تحمیل کرده اند، وگرنه گفتمان حکومت اسلامی با کارگران قانون اندر باب اجاره و امثال آنها بود.

"چهارچوب اقتصاد ملی" نیز یعنی همان اقتصاد مقاومتی، خامنه ای و ریاضت اقتصادی و کشیدن کار بیشتر از گرده کارگر و تحمیل فقر و محرومیت هر چه بیشتر به کارگران و کل مردم است. و تعیین دستمزدهای چند بار زیر خط فقر جزء مهمی



از آن سیاست است. بنابراین بی پایه بودن همه استدلالاتی که از سوی جریان‌های راست و از جمله جناب رئیس دانا مبنی بر اینکه خواست سه میلیون و پانصد هزار تومان شدنی نیست، اما مثلاً رقم یک میلیون و پانصد هزار تومان آنان که با "تبوع" کارشناسایی اقتصادی شان به آن رسیده اند، معجزه خواهد کرد، پوچ و بی پایه است. اما ارزش مصرف واقعی چنین رقم دادن هایی از جانب ایشان و دارو دسته های تشکلهای دست ساز حکومتی، حمله به جنبش رادیکال و تعرضی کارگری بر سر خواست افزایش دستمزدها است. حمله به جنبشی است که

میگوید نمیخواهم زیر خط فقر زندگی کنم و در برابر کل این بردگی و توحش ایستاده اند. گرایش‌های راست توجیه گر نظام و اقتصاد دانان تحلیل گری امثال رئیس دانا بطور واقعی با نهیب زدن به اینکه "زیاده روی" نکنید، "مقولات را ببینید" مقابل چنین جنبشی ایستاده اند، که دارد هر روز قویتر به جلو میرود. به عبارت روشنتر در این جدال دو جنبش متفاوت در مقابل هم قرار دارند. یکی جنبش اعتراضی کارگری که در مقابل تعرضات حکومت اسلامی ایستاده است و میگوید به خط فقر تن نمیدهم و از زندگی و معیشتش دفاع میکند و با اعلام خواست سه

میلیون و پانصد هزار تومان، که رقم اعلام شده خط فقر از سوی دولت است، عملاً کل جامعه را نمایندگی میکنند. و دیگری جریان‌های راست و کسانی امثال رئیس دانا که ترمزی در برابر این جنبش هستند.

راهپیمایی کارگران هپکو در وسط شهر

راهپیمایی کارگران هپکو در شهر اراک یک پیشروی در مبارزات کارگری است. چند هفته قبل نیز کارگران نساجی مازندران دست به راهپیمایی در شهر زدند و توجه مردم شهر را به خود جلب کردند. یک مشخصه مهم اعتراضات امروز کارگری

در ایران کشیده شدن این اعتراضات به خارج از محیط های کار است. این مشخصه یک مولفه مهم در اجتماعی کردن دامنه این اعتراضات، جلب حمایت جامعه و گسترش دامنه مبارزات کارگری است. این مشخصه تاثیر مهمی در تغییر توازن قوای شهرها و فضای سیاسی جامعه دارد. از جمله تجمع در مقابل مجلس اسلامی و مراجع دولتی در شهرهای مختلف به امری هر روزه در اعتراضات کارگری تبدیل شده است و حتی در بسیاری مواقع باعث شکل دادن به مبارزات همزمان و متحد کارگری شده است. راهپیمایی کارگران در

وسط شهر یک شکل تعرضی از مبارزات کارگران است که بیش از هر چیز نشانگر فضای پر جنب و جوش اعتراضی کارگری در متن اوضاع سیاسی امروز ایران است. صبح روز ۲۲ اسفند بیش از ۶۰۰ کارگر کارخانه هپکو از درب کارخانه به سمت خیابان دانشگاه، تا مرکز شهر راهپیمایی کردند. کارگران خواهان افزایش دستمزدها پشان و پرداخت فوری سه ماه دستمزد و سایر معوقات مزدی خود شدند.

گزارشاتی دیگر از روز جهانی زن، هشت مارس

شهلا دانشفر

امسال و بیانیه های منتشر شده به این مناسبت را در ضمیمه انترناسیونال شماره قبل که ویژه این روز بود، مشاهده کردید، در این شماره گزارشات باقیمانده که بعداً منتشر شده اند، را میخوانید.

هشت مارس در قاتمشهر

گروه کوهنوردی مهرگان با مشارکت گروه نیلوفر آبی در سالن هلال احمر قاتمشهر، هشت مارس را با حضور ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر گرامی داشتند. برنامه با سخنرانی خانم پروانه از بابل شروع شد. او در رابطه با فقر زنان، فحشا، طلاق، بیکاری، و مشکلاتی که زنان به واسطه نداشتن حقوق قانونی به این معضل اجتماعی دچار می شوند صحبت کرد. سپس خانم بهمن پور از فعالین محیط زیست بابل، از زنان خواست در حفظ محیط زیست با آنان همکاری کنند و گزارش مبسوطی در زمینه فعالیتهایشان در سالی که گذشت ارائه داد. سخنران بعدی خانم مریم علی محمدی بود که در رابطه با آن جی او که در ساری فعال است در حمایت از کودکان کار و زنان تن فروش گزارشی ارائه داد. در ادامه

هشت مارس امسال در تهران، شهرک انیشیه، کرج، آمل، قاتمشهر، مریوان، سنندج، کرمانشاه، برگزار شد. پیام واقعی هشت مارس امسال نه به آپارتاید جنسی و قوانین ارتجاعی اسلامی بود. و این پیام را به روشنی در بیانیه ها و سخنرانی ها و برنامه های این روز شنیدیم. هشت مارس امسال یک پیشروی بزرگ برای جنبش نوین آزادی زن بود. در هشت مارس امسال دیگر خبری از جریان‌های راست ملی اسلامی که در سالهای قبل زیر فشار چپ و رادیکالیسم جامعه، ناگزیر بودند خودی نشان دهند، تا بلکه این روز آزادیخواهی و برابری طلبی را از محتوای چپ و رادیکالشی تهمی کرده و آنرا محلول کنند، نبود. برنامه های هشت مارس امسال مملو از گزارشات بود که حکایت از کارزارهای مبارزاتی در دفاع از حقوق زن و علیه جدا سازی جنسیتی بود. در هشت مارس امسال صفی از رهبران و فعالین جنبش رهایی زن تربسبون ها را از آن خود کردند و صدای اعتراض کل جامعه علیه آپارتاید جنسی بودند. گزارشات بخشی از مراسم های هشت مارس

مراسم رقص محلی زنان قاتمشهر فضای شادی را ایجاد کرد. همچنین اجرای موسیقی زنان شهر بابل از دیگر برنامه های این گرد همایی بود. در قسمتی از برنامه نیز خانم تیموری در رابطه با تأثیر آسودگی که به زودی در بابل به روی صحنه می رود و نقش آفرینانش زنان خانه داری هستند که چندی است آموزش تأثیر می بینند توضیحاتی را ارائه داد.

هشت مارس در آمل

مراسم هشت مارس در شهر آمل در روز جمعه ۲۱ اسفند ۹۴ برگزار شد. به گزارش برگزار کنندگان آن ویژگی این مراسم در این بود که اکثر شرکت کنندگان برای نخستین بار در چنین جشنی شرکت می کردند. فضا به طرز ساده و زیبایی با پوسترها و بنر و عکسهای مربوط به زنان آراسته شده بود. مراسم با خوشامد گویی و شعر خوانی خانم اکرم نصیریان آغاز شد. سهراب مهدی پور تاریخچه هشت مارس را به زبان ساده برای حاضرین بیان کرد و مکث زیادی روی زنان ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ۱۳۵۷ و مبارزات زنان را در سالهای اخیر داشت. سپس خانم جمیله نصیریان مطلبی را در موقعیت زنان در جامعه و قوانین قرائت کرد. فرشته جلالی یکی از شرکت کنندگان شعری در وصف زن خواند. در این مراسم خانم ژاله احمدی مطلبی خواند که در آن مطالبات زنان در قالب

بندهای کوتاه آورده شده بود. سپس اکرم نصیریان عملکرد اجتماعی و تاریخیه ندای زنان را از بنو تاسیس تاکنون بیان کرد و بنا به نقش خود در توانمند سازی زنان، گزارشی از سوادآموزی را ارائه داد و گزارشی نیز از پرسشنامه ندای زنان در مورد (برابری زن و مرد) و آمار بالای برابری خواهان را به اطلاع رساند. برنامه بعدی اجرای موسیقی زنده بود که توسط تعدادی از اعضای گروه آیشم (آمل برگزار شد. گروه با اجرای چهار ترانه شاد محلی شور و حال فراوانی به جشن دادند و با تشویق فراوان حاضرین روبرو شدند. به رسم تقدیر به آنان دو عنوان کتاب در مورد فرهنگ و ادبیات مازندرانی هدیه شد. در آخر نیز بیانیه ندای زنان ایران توسط نیکو تبریزی خوانده شد. اما مراسم به پایان نرسید چرا که حاضرین از نیکو تبریزی خواستند ترانه ای بخواند و او شرکت کنندگان را با ترانه های خود بدرقه کرد.

هشت مارس در تهران

جمعه ۲۱ اسفند مراسمی به

مناسبت ۸ مارس در تهران با حضور حدود هفتاد نفر زن برگزار شد. مراسم با خواندن تاریخچه و چند شعر و صحبت بود، در بین برنامه ها، رقصهای ترکی و خراسانی و قاسم آبادی داشتند و دوستانی با صدای زیبایی خود در برنامه جمع را به وجد در آوردند. مراسم بسیار شاد و صمیمی بود و دوستان با میوه جای و شیرینی پذیرایی میشدند. در انتهای برنامه کار کارگاهی با عنوان زنان خانه دار اجرا شد که همه در سه گروه و جمع بندی کل دوستان نظر همه را در مورد کار خانگی مطرح کردند، که به دلیل مشارکت جمعی بسیار مورد استقبال واقع شد. شعارهایی هم در رابطه با زنان به صورت تراکت به دیوار چسبانده شده بود، در پایان با عکس دسته جمعی و رقص و پایکوبی جمعی مراسم به پایان رسید. در کنار مراسم میزی که کتاب و تی شرت هایی در رابطه با زنان بود به نمایش گذاشته شده بود.

- تعدادی از اعضای گروه موسیقی آیشم در هشت مارس امسال نواختند و خواندند.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: علی جوادی

مسئول فنی: سهند مطلق

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود